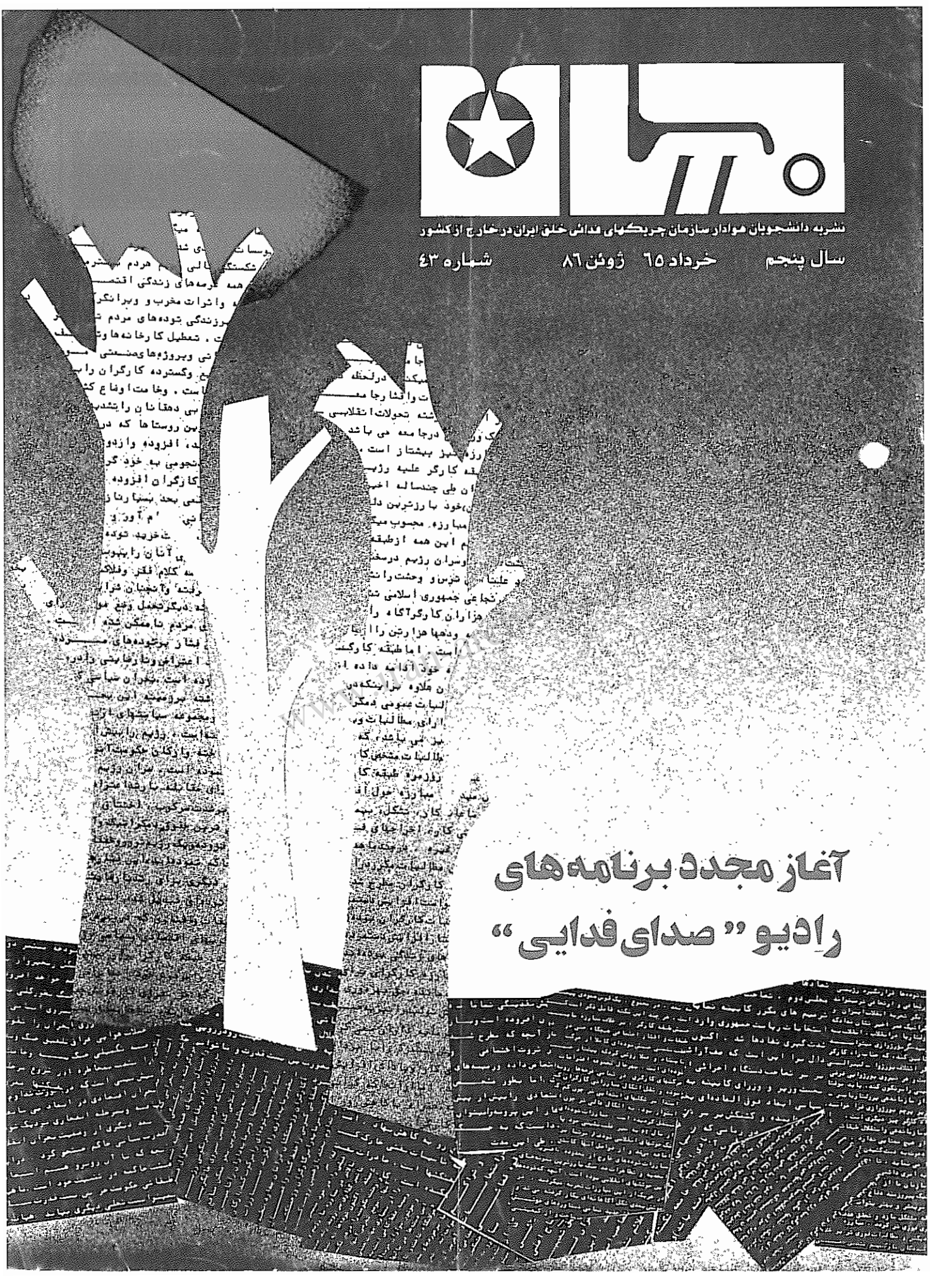


نشریه دانشجویان هوادار سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور

سال پنجم خرداد ۶۵ ژوئن ۸۶ شماره ۴۳



آغاز مجدد برنامه های رادیو "صدای فدایی"

توجه! برنامه ریزی و اجرای برنامه های رادیو "صدای فدایی" در روزهای پنجشنبه و شنبه هر هفته در ساعت ۱۰:۰۰ صبح به وقت ایران و ۱۰:۰۰ عصر به وقت تهران از طریق امواج کوتاه و بلند در فرکانس ۱۰۰ کیلوهرتز و ۱۰۰۰ کیلوهرتز به ترتیب در تهران و سایر نقاط ایران و خارج از کشور خواهد بود. این برنامه ها شامل اخبار، گزارشات، گفتگوها، شعر، داستان و مطالب آموزشی خواهد بود. برای اطلاعات بیشتر به دفتر مرکزی یا نمایندگی های محلی مراجعه کنید.



بخشی از اطلاعاتی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرامون از سرگیری برنامه‌های عادی
"صدای فدایی"

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

چهارماه پیش هنگامی که حمله مسلحانه باند نوطه‌گر مصطفی مدنی - حماد شیبانی به مرکز فرستنده رادیویی سازمان به شکست انجامید، اما در اثر دخالت خودسرانه اتحادیه میهنی کردستان طنین پرخروش "صدای فدایی" موقتا از حرکت باز ایستاد و هم‌اکنون رادیویی سازمان توسط اتحادیه میهنی کردستان به تاراج برده شد، ما خطاب به طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران گفتیم ده‌علی‌رغم تمام تلاشهای مذبوحانه بورژوازی "صدای فدایی" باردیگر فعالیت خود را آغاز خواهد کرد و نفتش آگاه‌کرانه خود را از سر خواهد گرفت. چنین نیز شد. یک ماه پیش در اوایل اردیبهشت ماه "صدای فدایی" مجدداً فعالیت خود را با یخش نشریات سازمان آغاز نمود، اما از سرگیری برنامه‌های عادی رادیو به‌رفع نواقص فنی آن منوط گردید. اکنون پس از رفع این نواقص به اطلاع عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران می‌رسانیم که از تاریخ ۵ خرداد "صدای فدایی" برنامه‌های عادی خود را از سر خواهد گرفت. برنامه‌های "صدای فدایی" هرشب از ساعت ۸:۳۰ دقیقه روی موج کوتاه ردیف ۶ متر پخش خواهد شد. عین همین برنامه روز بعد در ساعت ۶ بامداد و ۲:۳۰ بعدازظهر تکرار خواهد شد. از دهم خرداد روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر پخش می‌گردد...

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

نابودباد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و
پایگاه داخلی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۴ خرداد ماه ۱۳۶۵



پرای تمام با
صدای فدایی
پانشارتی زیر هگاتیه گنید:

A.C.A.

B.P. 43

94120 Fontenay-sous-Bois
France.

در این شماره

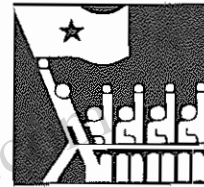
۳ ■ از مدنی تا خاوری

۵ ■ اشبار ایران

۶ ■ محکومیت سراسری و گسترده حرکت‌های
پلیسی اخیر سازمان مجاهدین

۱۲ ■ اشبار جهان

۱۷ ■ اشبار جنبش دانشجویی



۲۱ ■ درگرمی داشت سالروز تشکیل
جمهوری سوسیالیستی گیلان

۲۳ ■ شعری بلند از ولادیمیر مایاکوفسکی



۲۶ ■ چگونه برخورد کنیم و دولت جوان شوروی بآید

۳۱ ■ راه‌کارگر، جلوه تمام عیار ابورتونیس

۳۲ ■ کمونیسم شورایی

گزیده‌هایی از نشریات اطلاعاتی‌ها

۳۵ ■ مجاهدین باز هم يك سازمان جعلی می‌سازند

۳۶ ■ حزب

۴۱ ■ جمهوری اسلامی

۴۷ ■ از خوانندگان



از مدنی . . . تا خاوری

جبهه‌ی راست جدیدی در پهنه‌ی سیاسی ایران در حال شکل‌گیری است. نیروهای تشکیل دهنده‌ی این جبهه از کوناگونی ویژه‌ای برخوردارند. دریک انهای این جبهه مدنی فرار دارد (که یکی از عوامل اصلی حمله‌ی مسلحانه به مرکز فرستنده‌ی رادیویی صدای فدایی در ۴ بهمن ۶۴ است) و در انهای دیگر آن خاوری (که گرداننده‌ی اصلی حزب توده در حال حاضر است) و در بین این دو آنها نیروها و جریانهای دیگری فرار دارند که عریک نفس ویژه‌ای را برای پیشبرد عدهای این جبهه ایفای کنند. مهم‌ترین این نیروها و جریانها عبارتند از: دو جناح اکثریت، مهدی سامع، انشعابیون اخیر حزب توده به رهبری بابک امیر خسروی، راه‌کارگر و برخی محافل کوچک دیگر.

البته چنین جبهه‌ای به‌طور علنی اعلام موجودیت نکرده است. ولی نفاذ مشترک بین این نیروها و جریانها آنقدر زیاد است و مذاکرات پنهانی دو جانبه (و گاهی چند جانبه) و پیوندعای تشکیلاتی و جز اینها بین آنها اخیرا چنان گسترش یافته است که باید چشم‌انداز تشکیل چنین جبهه‌ی علنی را در آینده‌ی نزدیک از نظر دور نداشت.

نقش محوری و اساسی را در این جبهه سازمان راه‌کارگر ایفا می‌کند. این سازمان در چند سال گذشته با تلاشهای " سبانه روزی " خود کامهای بلندی را برای متحد ساختن نیروعای راست برداشته است و می‌رود تا با سود جسمن از " خوش‌نامی " گذشته‌اش

(البته خوش‌نامی در مقایسه با امثال حزب توده و دو جناح اکثریت) افتخار رهبری این جبهه را کسب کند. راه‌کارگر در ابتدا برای هموار کردن راه تشکیل جبهه‌ی راست از اکثریتی‌ها رسماً در نشریات خود درخواست کرد که از گذشته‌شان انتقاد کنند تا پیتش شرطهای لازم برای ورودشان به این جبهه فراهم شود (کویی که عمکاریهای آشکار و مسنقیم ضدانقلابیون اکثریتی بارژیم‌جناینکار جمهوری اسلامی هیچگونه ریشه‌ی طبقاتی و ایدئولوژیک نداشته است و صرفاً حرکتی شبه‌آمییز بوده است) . اکثریتی‌های " حسابرس " نیز این خواست " برادران نورسیده " خود را فروتنانه بهجا آوردند و از گذشته‌ی " اشنباه آمیز " شان انتقاد کردند.

راه‌کارگر سپس برای پیمودن کام دوم برای تشکیل دادن این جبهه تز " نبوغ آمیزی " را درمورد سیاستهای حزب توده در رابطه با رژیم جمهوری اسلامی پیش نهاد. راه‌کارگر در مقاله‌ی مفصلی اعلام کرد که حزب توده به‌دلیل " درک اشتباعش از مبارزه‌ی ضد امیریالیستی " سیاستهای نادرست در مورد رژیم اتخاذ کرده بود. پس اگر حزب توده نیز درک درستی از مبارزه‌ی ضد امیریالیستی ارائه دهد و به ویژه به سیاستهایش در رابطه با رژیم برخورد کند، می‌تواند به جبهه‌ی راست راه‌کارگر بپیوندد. در این موقع بود که جریان بابک امیر خسروی (به احتمال زیاد با رضایت رهبری حزب توده) از این حزب بیرون زد. این جریان تاکنون با انتشار دادن چند جزوه سیاستهای " رهبری " حزب توده و به‌ویژه شخص کیانوری

را مورد انتقاد فرار داده است. این جریان همچنین معتقد است که سیاستهای " رهبری " حزب توده در رابطه با رژیم جمهوری اسلامی " اشتباه " بوده است و به جنبه‌ی ضد امیریالیستی رژیم بیش از حد بها داده شده بود. این حرکت " آشتی جویانه " ی حزب توده نمی‌توانست خوشحالی راه کارگر را برنیانگیزد . بلافاصله نشریه‌ی راه‌کارگر از جریان بابک امیرخسروی به نیکی یاد کرد و نظریه‌ی " ضد امیریالیست " بودن حزب توده را در مقابل نظریه‌ی ضد انقلابی بودن این حزب (که از طرف سچفا مطرح می‌شد) پیش کشید. تا کنون تماسهایی نیز بین راه کارگر و این جریان برقرار شده است.

ضمناً برای تسهیل پاکیری جبهه‌ی راست در ایران، راه‌کارگر می‌بایست در یکی از اصول اعتقادی گذشته‌اش، یعنی رویزیونیست‌دانسن حزب کمونیست شوروری، تجدیدنظر کند. در این رابطه بود که راه‌کارگر نیز ایورنونیستی نوظهوری را برای اولین بار در ایران (و شاید عم در جهان) مطرح کرد. طبق این تز ایورنونیستی، راه‌کارگر اعلام کرد که گرچه خروشچف در مارکسیسم تجدید نظرعایی به عمل آورده بود ولی پس از او رهبران حزب کمونیست شوروری نظریه‌های رویزیونیستی خروشچف را به‌دور انداختند و عم اکنون گرایتس رویزیونیستی در این حزب تسلط ندارد. در ادامه‌ی این نگرش جدید، راه‌کارگر در نزدیکی با " اردوگاه قدرنشدن سوسیالیسم " تا بدان حد پیش رفته است که عم اکنون عیج تفاوت بنیادی بین برخورد این جریان و برخورد حزب

نوده و دو جناح اکثریت به اتحاد شوروی وجود ندارد. راه کارگر کار را به جایی رسانده است که اخیراً "سیاستهای رادیکال" گورباچف را در کنگره‌ی ۲۷ حزب کمونیست شوروی سنایش کرده است و روابطی نیز با دولت افغانستان برقرار کرده است.

بدین ترتیب نیروهای راست عرجه بیشتر با یلایش نظریه‌های ناخالص و زدودن ناغمگونی‌هایشان بنیانهای جبهه‌ی راست را پی ریزی می‌کردند. اما راه‌کارگر می‌دانست که یک مانع بزرگ بر سر پاکیری این جبهه، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران است. پس باید این تنها مانع "لجوج" از میان برداشته شود. در این مرحله بود که راه‌کارگر سایر نیروهای راست پس از اینکه از سازمان به‌طور کلی ناامید شده بودند، بر روی مصطفی مدنی در درون سازمان حساب باز کردند. راه‌کارگر می‌دانست که این عنصر خیانکار با نظریه‌ی ضدانقلابی بودن حزب توده مخالفت کرده بود و از لحاظ دیدگاه جهانی نیز نفاوسی بین آنها وجود ندارد. مهمتر از این، راه‌کارگر می‌دانست که مدنی با سیاست قاطعانه‌ی سازمان در مورد افشای ماعیت رفرمیستی راه‌کارگر مخالف است. از این رو تماس‌گیری مستقیم راه‌کارگر با مدنی آغاز شد. این ارتباط ویژه و مسایل دیگری در کنار آن، که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست، سرانجام به توطئه مسلحانه‌ی حمله به مرکز فرستنده‌ی رادیویی صدای فدایی در ۴ بهمن ۶۴ منتهی شد که خوانندگان جهان از چگونگی آن با اطلاعند. مدنی نیز برای سپاسگزاری از راه‌کارگر اخیراً رسماً اعلام کرده است که مقاله‌ی "هشدار به راه‌کارگر" را که در ریکای‌کل به چاپ رسیده بود، قبول ندارد و همچنین تحت عنوان "سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی" اطلاعاتی مشرکی را با راه‌کارگر در برلن امضا کرده است. بدین ترتیب جبهه‌ی راست بزرگی

از مدنی تا خاوری به رمگیری عملی راه‌کارگر عرجه بیشتر شکل می‌گیرد. راه‌کارگر برای منحرف ساختن افکار عمومی ممکن است ما را بازعم متهم کند که به ننوری "توطئه" متوسل شده‌ایم. در گذشته راه‌کارگر اصول‌گرایی، قاطعیت و پی‌گیری پرولتری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و دانشجویان عوادار سازمان در خارج از کشور را "چماقداری" می‌نامید. راه‌کارگر که برای پیش بردن سیاستهای راست روانه و نوده‌ایستی‌اش می‌باید مانع بزرگ سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را از سر راه خود بردارد، سیاست بیش‌رمانه‌ی "بی‌اعتبار کردن" سازمان را پیشه کرده است. مساله‌ی ارتباط خود با مدنی را نیز نفی می‌کند و آنرا ساخته‌ی سازمان می‌داند. حقیقت اینست که نیروهای راست ایران برای متشکل شدن خود می‌بایست سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، یعنی تلور سازمان یافته‌ی طبقه‌ی کارگر ایران و سمبل اصول‌گرایی پرولتری را مورد ضربه قرار دهند. و راه‌کارگر نیز، چون سردمدار راست جدید ایران، در این توطئه‌ی ننگین دست داشته است.

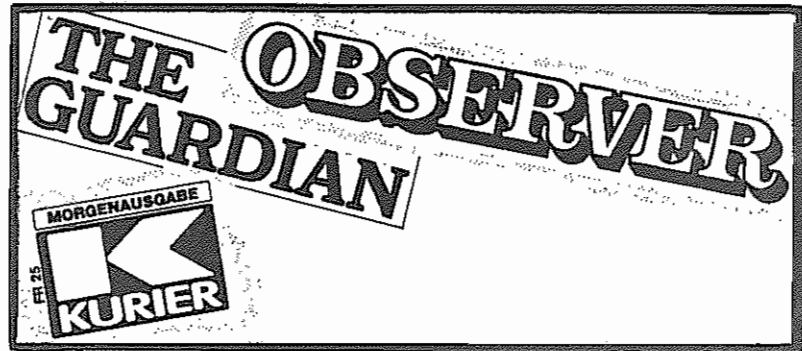
محور مشترک نیروها و جریانهای راست عدم اعتقاد به استقلال طبقاتی کارگران است. و این عدم اعتقاد از دو زاویه قابل بررسی است: زاویه‌ی داخلی و زاویه‌ی بین‌المللی. اگر از زاویه‌ی اول به مساله نگاه کنیم، همه‌ی این جریانها از اکثریت‌ها و مدنی گرفته تا راه‌کارگر و حزب توده بر این اعتقادند که طبقه‌ی کارگر ایران بدون سازش کردن با نیروهای بورژوازی نمی‌تواند انقلاب ایران را به پیروزی رساند. البته آنها با کردارها و گفتارهای مختلف این اعتقاد مشترکشان را آشکار می‌کنند. برای نمونه مهدی سامع‌مستفیا به اردوی بورژوازی (مجاهدین و شورای ملی مقاومت) می‌رود، ولی راه‌کارگر به‌طور غیرمستقیم از کسب قدرت سیاسی به وسیله‌ی شورای ملی مقاومت (یعنی

در واقع سازمان مجاهدین) استقبال می‌کند. یا در حالیکه حزب توده از "جبهه‌ی متحد خلق"، یعنی در حقیقت جبهه‌ی مشترک بورژوازی و طبقه‌ی کارگر، پشتیبانی می‌کند، راه‌کارگر معتقد است که تمام کسانی که "قلمی و قدمی" دارند باید برای "پر کردن حفره‌ی وادیت فقیه" متحد شوند. هم حزب توده و هم راه‌کارگر و عم تمامی نیروهای این جبهه‌ی راست به یک اندازه بی‌اعتقادی خود را به توانایی طبقه‌ی کارگر ایران برای رمگیری انقلاب نشان می‌دهند. آنها نه به توانایی کنونی طبقه‌ی کارگر ایران اعتقاد دارند و نه به توانایی تاریخی آن. در مقابل این نیروها سازمان چریکهای فدایی خلق ایران معتقد است که طبقه‌ی کارگر ایران هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ وضعیت کنونی‌اش در ایران توانایی به انجام رساندن پیروزمند انقلاب را دارد. از نظر سازمان وظیفه‌ی پیشاهنگ مارکسیستی حفظ کردن استقلال طبقاتی کارگران و آماده ساختن آنان برای کسب قدرت سیاسی از طریق یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه‌ی سراسری است.

اگر از زاویه‌ی بین‌المللی نیز به مساله نگاه کنیم، کلیه‌ی این نیروها و جریانهای راست معتقدند که انقلاب ایران تنها با پشتیبانی مستقیم اتحاد شوروی به پیروزی خواهد رسید. به سخن دیگر آنها از این زاویه نیز به توانایی و استقلال طبقه‌ی کارگر اعتقاد ندارند. آنها با اعتقاد به تز رژیونیستی "راه رشد غیرسرمایه‌داری" بر این باورند که از آنجا که هم‌مونی پرولتری در سطح جهانی تامین شده است، دیگر در عر کشور خاصی برای پیروزی انقلاب به هم‌مونی پرولتاریا و استقلال آن نیازی نیست. در مقابل این دیدگاه راست، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، چون متشکل‌ترین و مبارزترین نیروی چپ مستقل، معتقد است که پرولتاریای ایران می‌تواند با اتکای

بزرگترین قرارداد قاچاق اسلحه

افشا شد



به دنبال کشف یک شبکه ۱۷ نفری بین‌المللی قاچاق اسلحه به ایران توسط مأموران گمرکی آمریکا، یک حلقه دیگر از زنجیره خریدهای تسلیحاتی رژیم جمهوری اسلامی از آمریکا و اسرائیل افشا شد. بنا بر اطلاعات مندرج در مطبوعات جهان، این گروه که متشکل از دلالتان کشورهای آمریکا، اسرائیل، انگلستان، فرانسه آلمان و یونان هستند، طبق قرارداد ۲۵ میلیارد دلاری خود با ایران قرار بود ۱۸ فروند عوایمهای جنگنده اف ۴، ۱۵ فروند جنگنده فانتوم اف ۵، ۵ فروند عوایمهای باربری هرکولس سی - ۱۳۰، ۲۰ فروند هلیکوپتر، ۶ فروند بمب افکن اسکای هاک، ۵۰۰۰ موشک ضدتانک، ۳۷۵۰ موشک ضدناوک از نوع تاو، ۱۰۰۰ موشک هدایت شونده، چندین تانک، بمبهای خوشه‌ای و مقداری وسایل یدکی را به رژیم جمهوری اسلامی تحویل دهند. بخشی از این معامله که ارزشی معادل ۸۰۰ میلیون دلار دارد، توسط یک کمپانی اسرائیلی به نام بی - آی - نی و با عمدسنی ژنرال سابق ارتش اسرائیل، آوراهاام بارام، با رژیم جمهوری اسلامی منعقد شده است. بارام کدبر زمان شاه از طرف اسرائیل مسئول قراردادهای فروش اسلحه به ایران بوده است چندین ملاقات در نیویورک و برمودا با سیروس عاشمی،

نماینده ایران جهت چگونگی قاچاق و ارسال این اقلام به ایران داشته است. بنا بر اظهار منابع گمرک آمریکا و اسرائیلی دیگر به اسامی گوری آیزنبرک و عزرائیل آیزنبرک با همکاری دو وکیل آمریکایی به نامهای ساموئل ایوانز و ویلیام نورترپ، با جعل اسناد و مدارک، گواهی صدور جعلی به مقصد ترکیه و فیلیپین برای این تجهیزات صادر کرده بودند، در صورتی که محموله‌ها مقصد نهایی‌شان بندر عباس بود. به گفته پلیس‌مین‌المللی این بزرگ‌ترین قرارداد قاچاق اسلحه در تاریخ آمریکا بوده که افشا می‌شود. اما آوراهاام بارام از بازداشتگاه خود اعلام داشته است که دولت اسرائیل قبلا از عمده‌جزئیات این قرارداد با خبر بوده است و این دولت بزودی اسباب آزادی وی از زندان را فراهم خواهد ساخت. او همچنین اضافه کرد که این قرارداد تنها به این شبکه ۱۷ نفره ختم نمی‌شود، بلکه بسیاری از مقامات عالی‌رتبتهی دولتی در آمریکا و اسرائیل دست‌اندرکار این قضیه بوده‌اند. بارام اظهار داشت که در صورت عدم آزادی او در آینده‌ی نزدیک، از جزئیات طرح ارسال اسلحه به ایران پرده بردای خواهد کرد. دولت اسرائیل که در دوره‌ی حکومت حزب لیکود رسماً صدور اسلحه به ایران

را اقرار کرده بود، از دوره‌ی به حکومت رسیدن حزب کارگر به رهبری شیمون پیرز، مدعی قطع صدور هرگونه ادوات تسلیحاتی به ایران است. علی‌رغم ابعاد عظیم این قاچاق، پس از ۴۸ ساعت از افشای آن، دیگر هیچگونه خبری پیرامون این قرارداد در مطبوعات آمریکا درج نشد. پرده‌پوشی از این "معامله بزرگ" به احتمال زیاد به دلیل نقش مستقیم دولتهای آمریکا و اسرائیل در این جریان است.

این رسوایی بدان حد دامنه‌دار بود که حتی سردمداران رژیم اینبار قادر به انکار عمه‌جانبه‌ی آن نبودند. از این رو عملکرد از مزدوران رژیم سعی داشتند به فراخور استعداد شارتانی خود این موضوع را توجیه کنند. رفسنجانی مزدور می‌گوید: "به غیر از اسرائیل که باید بایکوت باشد، ما البته اسلحه آمریکایی را از عراق که بنوانیم، تهیه می‌کنیم به خاطر اینکه عوایمها و بسیاری از موشکها و سیستم توپخانه ما آمریکایی است... کدام قاچاقچی اسلحه در دنیا وجود دارد که بنواند عوایمهای پیشرفته آمریکایی را از آن کشور خارج کند و به ایران بفرستد و برآستی اگر ما قدرت داریم ۲۵ میلیارد سلاح پیشرفته از داخل آمریکا به ایران بیاوریم زنده بودن آمریکایی‌ها در آنجا بیهوده است." (کیهان ۶ اردیبهشت ۶۵)

عمچنین در این رابطه سخنگوی سناد تبلیغاتی جنگ رژیم می‌گوید: "با این جنجال تبلیغاتی در زمینه خرید اسلحه ایران از منابع موجود تنگناهایی به وجود آوردند و روند نامین اسلحه مورد نیاز ما را با محدودیت مواجه نمایند، ولی طبیعنا در بازار غرب برای فروش اسلحه رقابت وجود دارد و این نوع توطئه‌ها کاری از پیش نخواهد برد. از طرفی کسانی که می‌خواهند اسلحه خود را بفروشند همواره پیشنهاد دهنده هستند." (کیهان ۳ اردیبهشت ۶۵)

ذم خروس یا قسم حضرت عباس

خامنه‌ای می‌گوید: "من به عنوان سیاست حتمی نظام جمهوری اسلامی اعلام می‌کنم با آمدن اسلام خاں و خان‌بازی از این منطقه و همه مناطق رخت بر بسته و باید فاتحه خودش را بخواند" (کیهان ۹ اردیبهشت ۶۵)

نماینده‌ی مرودمت در مجلس ارتجاع می‌گوید: "طبق آمار منتشره توسط مرکز آمار ایران در سال تصمت و یک ۳۲/۵ درصد خانوارهای کشاورز فقط ۲/۳ درصد اراضی را در اختیار دارند. در حالی که ۰/۶ درصد از زمینداران ۱۳/۲ درصد کل اراضی را به خود اختصاص داده‌اند. سهم سرخانوار ارگروه اول ۳۵ درصدکنار و سهم زمیندارانی که صد هکتار به بالا دارند به طور متوسط ۲۲۶/۵ هکتار است. یعنی ۶۴۷ برابر گروه اول. و تا سخن از حق کشاورزان و گرفتن حقوق آنها از خونین و فئودالهای غاصب و فاسد به میان می‌آید فریاد 'وااسلاما'ی عده‌ای بلند می‌شود." (کیهان ۳ اردیبهشت ۶۵)

مالیاتها افزایش می‌یابند

با کاهش قیمت نفت، رژیم با تکیه بر درآمدهای مالیاتی، توده‌های زحمتکش را بیش از گذشته تحت فشارهای اقتصادی قرار می‌دهد. اخیرا بیروانی وزیر اقتصاد در سینیار مالیاتی گفت: "حداقل ۸۰ تا ۹۰ درصد بودجه جاری بایستی از محل مالیاتها تامین شود. علی‌رغم ۱۴ درصد رشد مالیاتها در سال ۶۴ نسبت به سال ۶۳، درآمدهای مالیاتی ۳۹ درصد بودجه جاری را تشکیل داده‌اند" (کیهان ۱۵ اردیبهشت ۶۵)

شروع مجدد جنگ شهرها

می‌گوید: " حمله دیروز عوایم‌شای عراقی به یک واحد از تاسیسات نفتی حومه تهران عیچگونه تاثیر در سوخت رسانی نداشته... و جای عیچگونه نگرانی نیست... ایران با داشتن سهام در پالایشگاههای خارج از کشور مثل پالایشگاه مدرس و یمن جنوبی نفت خام در اختیار آنها گذاشته و سپس به صورت فرآورده نفتی به کشور بازمی‌گرداند" ایران نیز به تلافی حمله‌ی عراقی، نیروگاه بصره و تاسیسات نفتی زبیریه عراق را مورد حمله فرار می‌دهد.

عمچنین در روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت عوایم‌های عراقی به ایسنگاه قطار هفت تپه خوزستان و قطار مسافری اهواز - تهران حمله می‌کنند. روزنامه‌های خارجی تعداد کشته‌شدگان این حمله را ۷۲ نفر، و تعداد زخمی‌ها را ۲۸۵ نفر اعلام کرده‌اند. □

با تشدید جنگ ارتجاعی بین‌دولتین ایران و عراق در ماه‌های اخیر، بار دیگر دامنه‌ی حملات به مناطق مسکونی و صنعتی کشیده شده است. در روز ۱۷ اردیبهشت شهرهای خوی، بانه، میروان و عمچنین پالایشگاه نفت تهران توسط عوایم‌های عراقی بمباران شد. روزنامه‌ی کیهان ۱۸ اردیبهشت ۶۵ می‌نویسد: " ساعت ۱۱ و ۲۰ دقیقه پیش از ظهر دیروز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه، ۶ فروند عوایمی متجاوز عراقی به حریم سوایی تهران تجاوز کردند و خسارانی به یک واحد از تاسیسات نفتی تهران وارد آوردند." رژیم تعداد کشته شدگان این حادثه را ۵ نفر اعلام کرد. به دنبال حمله به پالایشگاه نفت تهران و ازحما انومبیلها در جلوی یمپ بنرینها، روابط عمومی وزارت نفت طی اطلاعیه‌ای

اضافه کردن حقوق کارگران خطرناک است



هاشمی رفسنجانی
رئیس مجلس
ارتجاع

حده یول یکدفعه دست طبقاتی که ندانستند برسد اینها یکدفعه به بازار فشار می‌آورند و قیمت اجناس بالا می‌رود. کسی که حقوقش مثلا ۲۵ تومان بود یکدفعه خواهد ۷۵ تومان بگیرد این ۵۰ تومان را جنس می‌خواهد و این جنس در بازار نبود و این مشکل بود" (کیهان ۱۳ اردیبهشت) □

اگر فرار باشد با اسعدادترین شاگرد مکتب شارلاناتیسم خمینی انتخاب گردد، مناسبترین فرد رفسنجانی مزدور است. چون که این مزدور در شیادی دست استاد را نیز از پست بسته است. در حالی که سیاستهای ضدکارگرن رژیم بر عیچکس پوشیده نیست، او در خطبه‌ی نماز جمعه‌ی خود به مناسبت روز کارگر می‌گوید: "در جمهوری اسلامی وقتی انقلاب آغار شد اینها خود شاعد بودند جزو اولین کاری که شد این بود که مثل نرخ اب ویرن را بران طبقات پایین که مصرفشان کم است مجانی کردند. حقوق کارگران سه‌برابر شد. از لحاظ مسایل اقتصادی روتس بود که اضافه کردن حقوق از جهنی خطرناک است چون وقتی این

يك نمونه از عوامفريبي رژيم

رژيم جمهوری اسلامی عمچنان بر عوامفريبي و تحميق توده‌ها ادامه می‌دهد. روزنامه‌ی کیهان ۱۴ اردیبهشت می‌نویسد: " به هنگام تدفین، يك شهيد لبانش به نشانه تبسم شكفته شد. این شهيد كه محمدرضا حقيقي، جمعی لشكر ۷ ولی عصر نام داشت و در عملیات والفجر هشت به شهادت رسیده است پس از چهار روز كه در سردخانه بود توسط بستگانش برای تدفین به شهيد آباد امواز منتقل می‌شود. به هنگام دفن بستگان شهيد برای آخرین وداع مقداری از پارچه و پلاستيك را از چهره شهيد كنار زده و در میان بهت و حیرت حاضران لبان آن شهيد شكفته شد به گونه‌ای كه آثار تبسم و خنده به

وضوح مشاهده گردید... در وصیت نامه‌ای كه از آن شهيد به دست آمده نشان می‌دهد كه شهيد محمدرضا حقيقي قبل از شهادت از خدا نفاضا كرده بود كه به هنگام شهادت چهره خندانی داشته باشد."

اما واقعیت این است كه امروزه توده‌های زحمتکش میهنمان، بهجز تعداد معدودی از عقب مانده‌ترین توده‌ها و از جمله هواداران مسعود رجوی كه مسحور معجزات " انقلاب ایدئولوژيك نوین " هستند، بیش از پیش به سرچشمه‌ی اصلی این نوع عوامفريبي‌ها واقف گشته‌اند و " معجزات " اسلامی را به مسخره می‌گیرند. □

عمق وحشیگری

در رژیم جمهوری اسلامی

مرتجعین در مقابل با عدم شرکت نوده‌ها در جنگ ارتجاعی بار دیگر مبارزه با منكرات را بهانه قرار داده و برای ایجاد جو رعب و وحشت در میان توده‌های زنان به حربه‌ی عمیشگی خود یعنی " امت " (اراندل و اوپاش) همیشه در صحنه متوسل می‌شوند. به همین منظور نیز کمیته‌ی انقلاب اسلامی اطلاعیه‌ای برای مبارزه با منكرات انتشار می‌دهد. در این اطلاعیه به زنان اخطار می‌شود كه " تا وقت باقی است خود را با سیل خروشان امت ایثارگرمان كه جهت نابودی استكبار جهانی به جبهه‌ها عازمند هماهنگ سازند در غیر این صورت با آنان برخورد جدی خواهد شد." (کیهان اردیبهشت

۶۵)

سیس رفسنجانی شاید در خطبه‌ی نماز جمعه به تهدید زنان مبارز پرداخته،

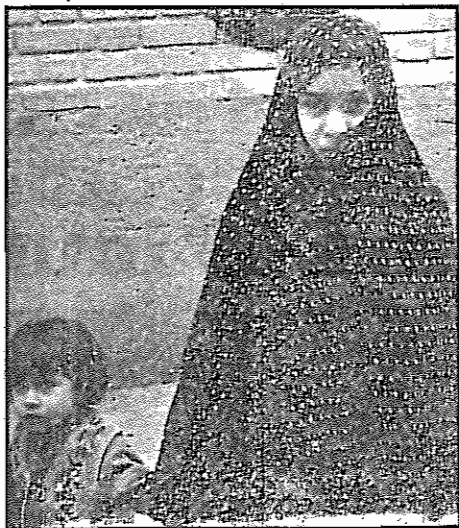
اجساد بلا تکلیف کشته شدگان جنگ

با افزایش تلفات انسانی رژیم در جبهه‌های جنگ ارتجاعی، اجساد کشته‌شدگان معضلی دیگر برای رژیم ایجاد کرده است. در طول جنگ ارتجاعی بسیار اتفاق افتاده است كه رژیم اجساد افراد دیگری را به عنوان جسد فرزند یا همسر بمخانواده‌ها تحویل داده است. ولی اخیراً رژیم با مشکل جدیدی روبرو شده است. روزنامه‌ی کیهان ۸ اردیبهشت ۶۵ به نقل از مقامات مسئول ستاد معراج شهدا در استمداد "از خانواده‌ی ۹ شهید عملیات والفجر ۸ كه بیكر پاكشان هنوز دفن نگردیده" می‌نویسد: " سناد معراج شهدا به دلیل عدم دسترسی به آدرس عزیزانی كه نامشان در ذیل می‌آید، تا كنون نتوانسته خانواده آنان را شناسایی و نسبت به تشییع و دفن آنان اقدام نماید... مسئول این سناد از مردم درخواست كرد چنانچه

از خانواده و یا سایر اقوام فامیل این شهیدان بمخون خفته آدرسی دارند جریان را به اداره یرزشکی قانونی



ستاد معراج شهدا اطلاع دهند." □



می‌گوید: " خانمهایی متاسفانه پس از هفت سال از انقلاب هنوز به این راضی‌اند که مفداری از مویشاں بیرون باشد... مردم حزب‌الله چند بار طغیان کردند و دیدید که در خیابانها ریختند و از سمن تریبون نماز جمعه وزیر کشور و دیگران خواهش کردند و به آنها وعده دادیم که اینها خودتاش آدم می‌شوند و باز می‌بینیم که مثل اینکه اینها يك مفدار احتیاج به خشونت دارند. (تکبیر نمازگزاران)... البته شورای عالی قضایی يك پیش‌نویس لایحه‌ای را تهیه کرده و ما قبلا به حزب الله وعده داده بودیم که عمل می‌کنیم... این لایحه در نظر گرفته است که اردوگاه‌هایی در مناطقی در نظر بگیرند برای بازسازی خانمها و آقایانی که دچار مرحله‌ای از فساد اخلاق هستند... اگر دیدید که مداومت بوده اینها را تحویل به اردوگاه می‌دهند، تعیین عم می‌کنند ۳ ماه، ۲ ماه، ۵ ماه، یکسال، دو هفته آنجا بماند و درس بخوانند و کار هم بکنند، خرجشان را هم باید خودشان در آنجا بدعند." (کیهان ۱۳ اردیبهشت) □

رفسنجانی:

لازم نیست همه بدانند

رفسنجانی در جمع پرسنل اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران می‌گوید: " جنک به گونه‌ای است که لازم نیست همه هرچیزی را بدانند، جنک مثل ۲ یا ۳ سال قبل نیست و خیلی پیچیده‌تر شده است و طرفین با تکیه بر اطلاعاتی که به دست آورده‌اند عمل می‌کنند. بنابراین فرماندهان که جنک را اداره می‌کنند شاید مصلحت ندانند که همه مسایل را با افرادی که با آنها کار می‌کنند در میان بگذارند." (کیهان ۸ اردیبهشت) □

رژیم ستم بر زنان را افزایش می‌دهد

به تشکیل این گونه مراکز در فردیس و رجایی شهر کرج اقدام می‌کردند با راعنمایی مردم این منطقه و کمیته انقلاب اسلامی کرج دستگیر شدند... ۶ نفر از متهمین بعد از نایبید شورای عالی قضایی به اعدام و سنگسار محکوم شدند، که تا کنون این احکام در مورد سه تن از محکومین به اجرا درآمده است... سنگسار نیاز علی بهرامی و محمد افتخاریان روز گذشته در رجایی شهر کرج و با حضور مردم به اجرا درآمد."

گسترش بی سابقه‌ی فحشا، دزدی و فساد اخلاقی از ره‌آوردهای رژیم جمهوری اسلامی است و قانون وحشیانه‌ی قصاص نیز راه حل رژیم برای مبارزه با مرتکبین این جرایم است. اما یکی از ارنجاعی‌ترین مجازاتهای اسلامی سنگسار کردن است که به عنوان مجازات رسمی و قانونی متهمین به فحشا در رژیم جمهوری اسلامی شناخته می‌شود. این حرکت فوق ارنجاعی طی



اجرای حدود نیز یکی دیگر از مجازاتهای وحشیانه‌ی اسلام است. طبق این قانون مجازات سارقین در مرحله‌ی اول قطع انگشتان مجرم تشخیص داده شده است. البته این مجازات شامل سران حکومتی و دزدیهای کلان‌شان نمی‌شود. روزنامه‌ی کیهان ۱۸ اردیبهشت ۶۵ می‌نویسد: " بر اساس احکام اسلامی و با استناد به ماده ۲۱۸ قانون حدود قصاص به قطع چهار انگشت راست محکوم گردید. این محکوم روز گذشته توسط ماموران پلیس قضایی به پارک خزانه آورده شد و در ملاء عام و با دستگاه کیوتین برقی، چهار انگشت دست راستش قطع گردید... يك مقام پلیس قضایی در مورد کیفر و

مراسم خاصی در ملاء عام به عمل آورده می‌شود. طی این مراسم اسلامی مجرم مرد نا کمر، و مجرم زن تا سینه در يك گودی فرار داده می‌شود. سپس نوبت رجم (سنگسار کردن) است. البته برای رجم ملاحظات خاص اسلامی در انتخاب سنگ مدنظر قرار داده می‌شود، یعنی اینکه باید سنگها طوری باشند که در ضربات اول موجب مرگ مجرم نگردد. بلکه اندازه باید کاملا اسلامی باشد، تا با توجه به عفته‌های روانی امت حزب‌الله، مجرم پس از شکنجه‌ی طولانی به فنل برسد."

روزنامه‌ی کیهان ۴ اردیبهشت ۶۵ می‌نویسد: " مدنی پیش ۲۲ نفر از اعضای يك شبکه اشاعه فحشا که

محکومیت سراسری و گسترده حرکت های پلیسی اخیر سازمان مجاهدین

حرکت ضدانقلابی سازمان مجاهدین در افشای اسامی و تصاویر برخی از اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، و حملات فالانژگونه ای افراد این سازمان به مراکز تجمع نیروهای ایرانی در کشورهای مختلف خشم و انزجار اکثریت فریب به اتفاق نیروهای ایرانی را برانگیخت. به طوری که در هفته های گذشته اکثریت این نیروها با صدور اطلاعیه هایی این حرکت مجاهدین را محکوم کردند. ما برای اطلاع خوانندگان جهان بخشهایی از این اطلاعیه ها را در زیر درج می کنیم.

تشبیهات ارتجاعی و فالانژگونه سازمان مجاهدین محکوم است

روزیکشنبه ۱۳۶۷/۲/۲۲ با یک تیر دو جا با یک سنگ دو ایمنی را طرف مجاهدین محکوم است. سراسری و گسترده حرکت های ارتجاعی و فالانژگونه ای که در این روزها در ایران و خارج از آن در جریان است، در واقع بازتابی از سیاست های ارتجاعی و فالانژگونه ای است که در سالهای اخیر در ایران و خارج از آن در جریان است. این حرکت ها در واقع بازتابی از سیاست های ارتجاعی و فالانژگونه ای است که در سالهای اخیر در ایران و خارج از آن در جریان است.

سازمان مجاهدین محکوم است
اسامی دانشوران ایرانی در بریتانیا
(اسامی دانشوران)

سیاستهای اخیر مجاهدین در خدمت رژیم جمهوری اسلامی

سازمان مجاهدین در این چند سال گذشته سیاستهای ارتجاعی و فالانژگونه ای را در پی داشته است. این سیاستها در واقع بازتابی از سیاست های ارتجاعی و فالانژگونه ای است که در سالهای اخیر در ایران و خارج از آن در جریان است. این حرکت ها در واقع بازتابی از سیاست های ارتجاعی و فالانژگونه ای است که در سالهای اخیر در ایران و خارج از آن در جریان است.

سازمان دانشمندان ایرانی در بریتانیا
کتابخوان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۳۶۷ خرداد

مجله مجمع مکتب
۱۳۶۷ خرداد
سازمان مجاهدین محکوم است
اسامی دانشوران ایرانی در بریتانیا
(اسامی دانشوران)

اطلاعیه شماره ۲

مراکز انتشار مجاهدین سازمان مجاهدین در انگلستان

مجاهدین که اطلاعیه های خود را در این مجله منتشر می کنند، باید به این نکته توجه کنند که این مجله در اختیار مجاهدین است و هرگونه انتقاد یا توهین به سازمان مجاهدین در این مجله مجاز نیست. همچنین، هرگونه افشای اسامی یا تصاویر افراد سازمان مجاهدین در این مجله مجاز نیست.

محکومیت اعمال پلیسی سازمان مجاهدین

سازمان مجاهدین در این چند سال گذشته سیاستهای ارتجاعی و فالانژگونه ای را در پی داشته است. این سیاستها در واقع بازتابی از سیاست های ارتجاعی و فالانژگونه ای است که در سالهای اخیر در ایران و خارج از آن در جریان است. این حرکت ها در واقع بازتابی از سیاست های ارتجاعی و فالانژگونه ای است که در سالهای اخیر در ایران و خارج از آن در جریان است.

اطلاعیه

مجاهدین محکوم است
اسامی دانشوران ایرانی در بریتانیا
(اسامی دانشوران)

اطلاعیه

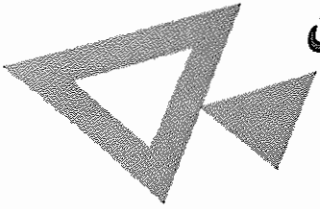
مجاهدین محکوم است
اسامی دانشوران ایرانی در بریتانیا
(اسامی دانشوران)

اطلاعیه

مجاهدین محکوم است
اسامی دانشوران ایرانی در بریتانیا
(اسامی دانشوران)

محکومیت سراسری و گسترده حرکت‌های

پلیسی اخیر سازمان مجاهدین



اقدامی سابتد مجاهدین - افشاگری - پاجاسوسی علیه نیروهای انتظامی و متزکی؟

سروای انتظامی و مدعیان...
سازمان مجاهدین...
در این خصوص...
تاریخ: ۱۳۸۲/۱۱/۲۸

سیاست پلیسی مجاهدین را افشا و محکوم نمایم

ظرف دو هفته گذشته کثرت گسترده و سرفرازانه متفکران و سربازان...
شاید چنین سراسری و سرفرازانه در سطح وسیع...
بهرین شرایط تاریخی...
سازمان مجاهدین...
تاریخ: ۱۳۸۲/۱۱/۲۸

متحداً سیاست‌های ارتجاعی مجاهدین را افشا کنیم

همه چیزها را سبب می‌دانیم...
سروای انتظامی و متزکی...
پلیسی سراسری و گسترده...
تاریخ: ۱۳۸۲/۱۱/۲۸

متحداً سیاست‌های ارتجاعی مجاهدین را افشا کنیم

همه چیزها را سبب می‌دانیم...
سروای انتظامی و متزکی...
پلیسی سراسری و گسترده...
تاریخ: ۱۳۸۲/۱۱/۲۸

محکومیت اعمال پلیسی سازمان مجاهدین

با محکومیت بی‌شائبه...
سازمان مجاهدین...
تاریخ: ۱۳۸۲/۱۱/۲۸

تحرکات پلیسی سازمان مجاهدین را محکوم کنیم!

تیم مجاهدین...
سازمان مجاهدین...
تاریخ: ۱۳۸۲/۱۱/۲۸

محکومیت اعمال پلیسی سازمان مجاهدین

با محکومیت بی‌شائبه...
سازمان مجاهدین...
تاریخ: ۱۳۸۲/۱۱/۲۸

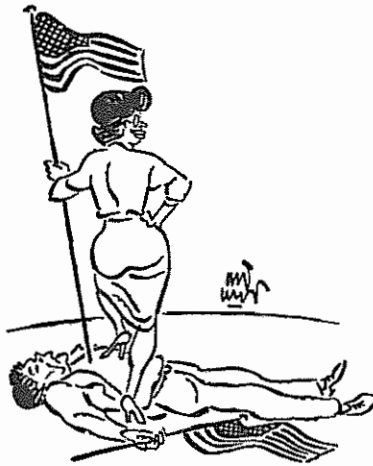
اعمال پلیسی و جاسوسی سازمان مجاهدین محکوم است

ما اینها را محکوم می‌کنیم...
سازمان مجاهدین...
تاریخ: ۱۳۸۲/۱۱/۲۸

آکینو خواهان کمک بیشتر از آمریکا است

در ماه اخیر اولین ملاقات رسمی بین دولت جدید خانم آکینو و مقامات آمریکایی در واشنگتن صورت گرفت. در این ملاقات سالوادور لورل، معاون رئیس جمهور فیلیپین، خواهان کمک‌های مالی بیشتر آمریکا به کشورش شد. او گفت که کشورش با وضع وخیمی روبرو است و بیش از ۶۶ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد. او همچنین برای جلب حمایت بیشتر امیرالایسم آمریکا و دادن اطمینان به دولت ریگان تاکید کرد که: "عفو عمومی چریکها در صورت به زمین گذاشتن سلاحهای خود، به هیچوجه دلیل بر انعطاف پذیری دولت آکینو نسبت به چریکها نیست."

ضمناً در ماه اخیر یکی از کشیشهای فیلیپینی به نام Conrado Balweg به همراه تعدادی از عواداران خود ارتش نوین خلق (NPA) را ترک گفت و خواهان صلح با حکومت شد. یکی از رهبران حزب کمونیست فیلیپین نیز که پس از سالها زندانی بودن، به وسیله خانم آکینو آزاد



شده بود، اعلام کرد که حزب جدیدی تشکیل داده است و می‌خواهد با اتخاذ سیاست اتحاد و انتقاد نسبت به دولت خانم آکینو، از طریق پارلمان تارایسم و نفی جنگ مسلحانه به قدرت سیاسی دست یابد. اما طبق شواهد موجود چنین نظری در ارتش نوین خلق پشتیبانی چندانی ندارد و مبارزه‌ی مسلحانه همچنان ادامه دارد. □

ارتش‌های بی‌یتی جنایتی دیگر آفرید

در اواخر ماه آوریل، بیش از سه هزار نفر از زحمتکشان و خانواده‌های زندانیان سیاسی، تظاهراتی را از پایتخت این کشور به محل زندان مرکزی "فورت دیمانش" برگزار کردند. این تظاهرات به منظور بزرگداشت خاطره‌ی مبارزان جان باخته در طول دیکتاتوری خاندان دووالیه در اعتراض به دستگیری صدها تن از مبارزین طی چند ماه گذشته صورت گرفت.

در خانم‌های تظاهرات، بخشی از نظامر کنندگان که خواستار ملاقات

اعتصاب سراسری کارگران معادن

ذغال بلژیک آغاز شد

در اواخر ماه آوریل، ۱۸۰۰۰ معدنچی بلژیکی در اعتراض به سیاستهای ضد کارگری دولت این کشور دست به اعتصاب زدند. علت اصلی برپایی اعتصاب عدم تضمین دولت به اتحادیه‌های کارگری در مورد بستن احتمالی معادن و بیکار کردن معدنچیان بود. دولت بلژیک هم اکنون با اتخاذ سیاستهای شدیداً ضدکارگری، بیکاری وسیعی در بین کارگران این کشور و به ویژه در بین معدنچیان به وجود آورده است. به طوریکه کل تعداد معادن ذغال سنگ بلژیک به ۵ عدد کاهش یافته است و بیش از ۶۰۰۰۰ کارگر ذغال سنگ هم اکنون بیکار شده‌اند.

در اعتراض به این سیاست تعطیل معادن و بیکار کردن کارگران بود که معدنچیان در دو معدن به طور خود انگیخته دست به اعتصاب می‌زنند. در برابر این حرکت خودانگیخته کارگران، رهبران اتحادیه‌های کارگری از آنجایی که با يك عمل انجام شده مواجه شده بودند به ناچار اعتصاب را به رسمیت شناخته و به دفاع از آن برمی‌خیزند. در ادامه‌ی این حرکت معدنچیان سه معدن دیگر نیز به اعتصاب می‌پیوندند و بدین‌سان اعتصاب سراسری یکپارچه‌ی معدنچیان بلژیک آغاز می‌شود.

از آن زمان به بعد اعتصاب معدنچیان قدرتمند و یکپارچه ادامه یافته است. در حمایت از این اعتصاب، هم‌اکنون کمیته‌های محلی و سراسری گوناگونی تشکیل شده است و همچنین در هفته‌های اخیر تظاهرات متعددی از جمله يك تظاهرات عظیم ۲۰۰۰ نفره در حمایت از خواسته‌های برجق معدنچیان برپا شده است. □

با اقوام خویش بودند، مورد حمله‌ی وحشیانه‌ی نیروهای نظامی قرار گرفتند و ۶ نفر از آنان کشته و عده‌ی کثیری مجروح شدند. پس از این عمل وحشیانه، تظاهرکنندگان با برپایی باریکاد و همچنین سوزاندن پلاستیک، بلوار اصلی شهر را تحت کنترل خویش درآورده و تا پاسی از شب به درگیری رودر رو بانیه‌های نظامی پرداختند و ختم و نفرت خود را بار دیگر از دووالیه‌های جدید و نیروهای سرکوبگر آن به‌نمایش گذاشتند. □

افلاس دولت یونان

در اول ماه مه آشکار شد

شکاف عمیقی که از ماهها پیش بین رهبران اتحادیه‌های کارگری مخالف و موافق دولت یونان ایجاد شده است، در تظاهرات اول ماه مه به بهترین وجهی خود را آشکار ساخت. علت اصلی این اختلافات همانطور که در شماره‌های قبلی جهان اشاره شد، برخوردهای مختلف این رهبران به سیاستهای ضدکارگری دولت حزب به اصطلاح سوسیالیست (PASOK) است.

امسال به مناسبت اول ماه مه دو تظاهرات کاملا مجزا برگزار شد. تظاهراتی که از سوی رهبرانی که با سیاستهای دولت مخالفت می‌ورزند با پشتیبانی وسیع کارگران و با شرکت بیش از ۲۰ هزار نفر برگزار شد. در این تظاهرات باشکوه، کارگران به طور یکپارچه بار دیگر مخالفت‌های خود را با سیاستهای دولت ابراز داشتند. تظاهرات دومی که از سوی رهبران طرفدار دولت و دبیرکل اتحادیه‌های کارگری یونان فراخوانده شده بود، تنها دوهزار نفر در آن شرکت کردند. شکست دولت و رهبران دست راستی اتحادیه‌های کارگری در کشاندن توده وسیع کارگران به تظاهرات تا بدان درجه بود که مقامات مربوطه ناچار شدند صحنه‌هایی از تظاهرات دیگر را در تلویزیون نشان دهند، تا از این طریق بر شکست فاحش خود سرپوش بگذارند.

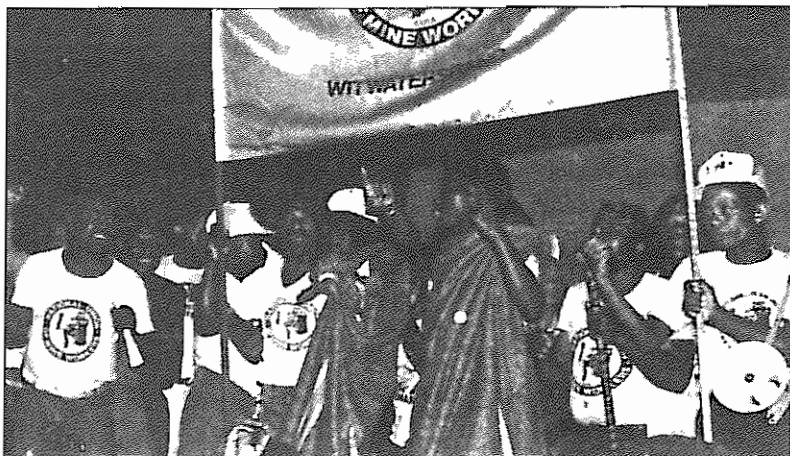
این نمونه، نشانگر ورشکستگی سیاستهای دولت پاندره است که در نتیجهی ادامه‌ی سیاستهای ضد کارگری‌اش، برخوردهای جدی‌تری را در آینده بین طرفین اجتناب ناپذیر ساخته است. □

اول ماه مه در آفریقای جنوبی

از کارگران و زحمتکشان آفریقای جنوبی در یکصدمین سالگرد روز جهانی کارگر، بزرگ‌ترین و بی‌سابقه‌ترین اعتصاب سراسری در تاریخ مبارزاتی این کشور را برپا کردند. در این روز صد هزار کارگر و میلیون‌ها تن از توده‌های زحمتکش و تحت ستم رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی دست از کار کشیدند و با اتحاد و همبستگی سراسری خود بنیانهای این رژیم منفور را به لرزه درآوردند. کارگران معادن و کارگران صنایع کوناگون با تحریم کردن کار در این روز، جملگی خواهان به رسمیت شناخته شدن روز جهانی کارگر به عنوان تعطیل رسمی شدند.

و سعت این اعتصاب یک روزه به حدی بود که تنها در منطقه‌ی 'ترنسوال' یکی از مراکز صنعتی آفریقای جنوبی، بیش از نیم میلیون کارگر، یعنی قریب ۸۰ درصد از کارگران این منطقه، در آن شرکت داشتند. در منطقه‌ی Eastern Cape، که مرکز صنایع اتومبیل سازی است، بیش از ۹۸ درصد از کارگران و در ژوهانسبورگ علی‌رغم تهدیدات مکرر کارفرمایان، بیش از ۹۵ درصد

در روز ششم ماه مه، ۶۲۰۰ تن از کارکنان سیاهپوست ۴۵ شعبه از فروشگاه زنجیره‌ای Pick 'N Pay جهت افزایش دستمزد ناچیزشان دست به اعتصاب نامحدودی زدند. صاحبان فروشگاه این کارکنان را تهدید کردند که اگر هرچه زودتر به سر کار خود باز نگردند به طور دستجمعی اخراج خواهند شد. طبق آخرین اخبار موجود اعتصاب همچنان ادامه دارد. □



کارگران معدن، طلایه‌دار اعتصابات روز اول ماه مه در آفریقای جنوبی بودند. □

دستگیری جمعی زحمتکشان در شیلی

در چند ماه گذشته شیلی صحنه اعترافات وسیع توده‌ای بوده است. به دنبال تظاهرات گسترده در اول ماه مه و ادامه‌ی حرکت‌های اعتراضی،

و "محاکمه‌ی" نظامی قرار دارند. در دانشگاهها نیز اعتصاب دانشجویان و استادان همچنان ادامه داشته و اتحادیه‌های آنان اعلام کرده‌اند



صحنه‌ای از حضور نظامیان در خیابانهای سانتیاگو برای جلوگیری از راهپیمایی اپوزیسیون.

پینوشه و دیگر مقامات حکومتی، هراسناک از این شرایط، دستور دستگیری جمعی مردان بین ۱۴ تا ۶۰ ساله را که در شهرکهای کارگری سکونت دارند، صادر کردند.

بنا بر گزارشات محلی، در نیمه‌ی اول ماه مه بیش از ۱۵۰۰۰ نفر دستگیر شده و برای بازجویی به استادیومهای ورزشی انتقال داده شده‌اند.

تنها در یک شهرک کارگری واقع در جنوب سانتیاگو قوای نظامی پس از محاصره و قطع سیمهای تلفن این منطقه بیش از ۵۰۰۰ تن مردان ساکن در آنجا را دستگیر کرده و به نزدیک‌ترین استادیوم ورزشی منتقل می‌کنند که عده‌ی زیادی از آنان هنوز تحت بازجویی

مادامی که گارد امنیتی در دانشگاه مستقر است و عمکاران نزدیک پینوشه در یسهای خود در دانشگاه مشغول به کار هستند، از رفتن به سر کلاسها خودداری خواهند کرد.

در اواخر ماه آوریل نیز بیش از ۶۰۰ نماینده‌ی اتحادیه‌های کارگران، دینقانان، دانشجویان معلمین و استادان کسبه‌ی خرد و همچنین نمایندگان احزاب و سازمانهای اپوزیسیون در یک گردهمایی در خارج از سانتیاگو، تاسیس "مجمع ملی شهروندان" را اعلام کردند. سخنگوی این مجمع در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی گفت در صورتی که دولت پینوشه تا آخر ماه مه سال جاری به خواستهای این مجمع

ترتیب اثر ندهد، آنان به یک اعتصاب عمومی سیاسی و برگزاری تظاهرات وسیع‌تری دست خواهند زد. بخشی از خواسته‌های مشترک این مجمع به قرار زیر است:

- پایان دادن سریع به حکومت دیکتاتوری پینوشه،
- فراخواندن مجلس موسسان و انجام انتخابات جدید،
- بررسی و تغییر همه‌جانبه‌ی سیاستهای اجتماعی و اقتصادی،
- انحلال گارد دانشگاهها،
- پرداخت غرامت به افرادی که در زندانها تحت شکنجه قرار گرفته و یا دچار نقص عضو شده‌اند.

در اعتراض به سیاستهای فاشیستی رژیم پینوشه و دستگیری زحمتکشان شهرکهای فقیرنشین و کارگری، بزرگ‌ترین اتحادیه‌ی کارگری شیلی تظاهراتی در روز چهارشنبه ۲۱ ماه مه فراخواند. به دنبال این فراخوان هزاران تن از ساکنان این شهرکها به طرف منطقه‌ی مرکزی سانتیاگو به راه افتادند. مقامات دولتی با مشاهده‌ی وسعت تظاهرات قوای نظامی را در سرتاسر پایتخت مستقر کرده و ضمن بستن خیابانهای مرکزی هرگونه رفت و آمد را منع کردند. نظامیان سپس حمله‌ی وحشیانه‌ای را به تظاهرکنندگان آغاز کردند که طی آن صدها نفر زخمی و مجروح شده، و بیش از ۳۰۰ نفر دستگیر شدند. نیروهای مبارز نیز با انفجار دکلهای برق به مدت ۸ ساعت سراسر کشور را در تاریکی فروبردند.

آنچه مسلم است، مبارزات وسیع زحمتکشان رو به اعتلا بوده و در آینده‌ی نزدیک می‌رود تا روپود دیکتاتوری پینوشه را از هم بگسلد. اما مسأله‌ی اساسی برای سازمانهای انقلابی این است که کدام نیروی سیاسی قادر خواهد بود که قدرت سیاسی را به کف آورد و چگونه حکومتی را مستقر سازد. □

بحران اقتصادی،

دولت محافظه کار نروژ را به زانو در آورد

در شماره‌ی پیش جهان خیراعتصاب عمومی کارگران در نروژ را چاپ کردیم. این اعتصاب که بزرگ‌ترین واقعه‌ی کارگری ۵۰ سال اخیر نروژ بود با درگیر کردن بخش وسیعی از کارگران و وارد کردن ضربات جدی بر اقتصاد کشور توانست دولت محافظه‌کار این کشور را وادار به عقب نشینی کند. به طوری که دولت موقتا ناچار شد به بعضی خواسته‌های کارگران همچون کاهش ساعت کار از ۴۰ به ۳۷ ساعت و نیم در هفته گردن نهد.

اما دامنه‌ی این درگیری‌ها به عمین جا منتهی نشده و چاره‌سازی دولت تنها راه‌حلی موقت برای خروج از بحران است.

در هفته‌های اخیر بحران ابعادی جدید به خود گرفت و دامنه‌ی آن حتی به درون طبقه‌ی حاکم نیز گشانده شد. در این رابطه دولت محافظه‌کار که خود را ناتوان از حل بحران می‌دید، بعد از حکومت ۵ ساله‌اش ناچار به استعفا شد و زمام امور به دست حزب به اصطلاح کارگر نروژ که حتی در پارلمان اکثریت را نیز در دست ندارد، انتقال یافت.

بحرانی که هم اکنون گریبانگیر اقتصاد نروژ شده است، با سقوط بهای نفت در بازار جهانی شدت یافته است. فروش نفت که یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد نروژ است طی نوسان‌های اخیر خود اقتصاد این کشور را با اشکالات جدی روبرو ساخته است. به عمین دلیل دولت جدید صریحا اعتراف کرده است که برای تعدیل بحران هیچ برنامه‌ای ندارد. □

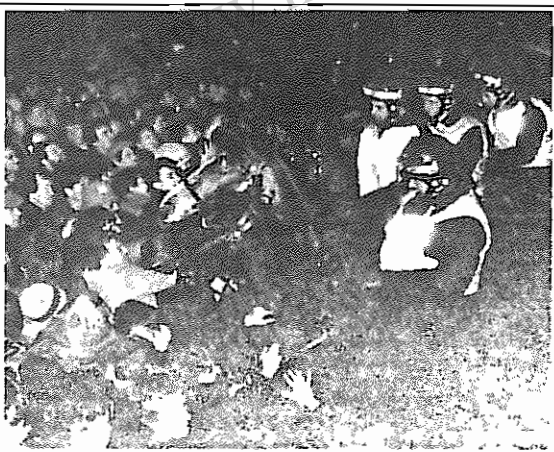
کارگران چاپ

علیه سازش‌های رهبران خود به مبارزه برخاسته‌اند

چاپ زمانی مشخص شد که آنان به منظور پس گرفتن موجودی اتحادیه، که از همان ابتدای اعتصاب توسط دادگاه ضبط شده بود، بدون مشورت با کارگران اعتصابی، تعهد کرده بودند که فعالیتهای کارگران برای جلوگیری از توزیع روزنامه‌ها قطع خواهد شد. در این راستا رهبران خیانتکار بیش‌ترمی را تا بدانجا رساندند که رسماً از دادگاه به دلیل نقض "قانون" معذرت خواهی کردند.

در ادامه‌ی سازش‌کاریهای رهبران اتحادیه و تعهداتی که آنان به دادگاه داده‌اند بسیاری از شعبات محلی اتحادیه در مخالفت با این تصمیمات خفت‌بار عم اکنون تاکتیک‌های جدیدی برای پیشبرد اعتصاب اتخاذ کرده‌اند. افزایش فعالیتهای اعتراضی کارگران در مقابل بعضی از شرکت‌های حمل و نقل و فعالیتهای دیگری که در تضاد با تعهدات شرمگینانه‌ی

از اعتصاب کارگران چاپ بیش از چهار ماه می‌گذرد. طی این مدت ۶۰۰۰ کارگر اعتصابی با رویارویی قاطعانه خود علیه کارفرما و دولت ضدکارگری ناچار که همه ارگانهای سرکوبگر خود را علیه اعتصاب کارگران بسیج کرده است، توانستند با فداکاریهای غیر قابل وصفی به اعتصاب شکوعمند خود تداوم بخشند. اما اکنون با گذشت این دوره پرفراز و نشیب اولین حرکت‌های جدی رهبران اتحادیه‌ی کارگران چاپ در به سازش کشاندن اعتصاب آشکار شده است. این مساله تا بدان حد بارز شده است که کارگران اعتصابی با فراخواندن جلسه‌ای اضطراری خواستار بر ملا شدن زدوبندهای پنهانی رهبران خود شدند و آنان را به دلیل سازشها و نحوه‌ی پیشبرد اعتصاب مورد شدیدترین انتقاد قرار دادند. بعد از خاتمه‌ی این جلسه که بیش از ۴۵۰۰ کارگر اعتصابی



صحنه‌ای از یورش پلیس به صف تظاهرات کارگران چاپ.

رهبریت است، نمونه‌های بارزی از ضدیت کارگران با این روش‌های مسالمت آمیز و خیانت‌بار است. در چنین شرایط حساس تنها پیکارجویی کارگران است که می‌تواند ادامه‌ی اعتصاب و مبارزه‌ی قاطعانه‌ی آنان را علیه سازشکاریهای رهبران امکان‌پذیر سازد. □

در آن شرکت کرده بودند، برندا دین رهبر اتحادیه به منظور فریفتن کارگران ظاعرا به آنان اطمینان داد که تصمیم گیرنده‌ی اصلی در مورد چگونگی پیشبرد اعتصاب و یا نحوه‌ی خاتمه دادن به آن، خود کارگران اعتصابی‌اند. اولین نشانه‌های سازش رهبران اتحادیه‌ی

ضیاء الحق در چند شهر پاکستان

حکومت نظامی اعلام کرد

ورود بی نظیر بوتو به پاکستان در ماه آوریل و سخنرانیهای او مبنی بر انجام برخی فرمهای سیاسی و اقتصادی و برگزاری انتخابات جدید، زمینه مناسبی را فراهم آورد تا مردم پاکستان به اعتراضات خود علیه حکومت ضیاء الحق شدت بخشند. به طوریکه در هفتههای اخیر برخی از شهرهای پاکستان شاعدرگرگیریهای وسیع بین مردم و پلیس بودند. شدت درگیریها در یکی از شهرهای اطراف کراچی به حدی بود که منجر به زخمی شدن صدعا تن از اعتراض کنندگان شد. به عمین دلیل در اوایل ماه مه ضیاء حکومت نظامی نامحدودی را در چند شهر اعلام کرد و از مردم خواست دست از اعتراضات خود بردارند. او همچنین گفت اگر مردم به درگیریهای خود پایان ندهند، مجبور خواهد شد با خشونت با آنان رفتار کند. □

اعتصاب ۱۸۰۰۰۰ نفر از آموزگاران پرو

در اوایل ماه گذشته، بیش از ۱۸۰۰۰۰ نفر از معلمین دبستانها و دبیرستانهای پرو در اعتراض به سطح نازل حقوق و همچنین دستگیری برخی از اعضای اتحادیهی معلمین اعتصاب نامحدودی را آغاز کرده و تظاهرات باشکوهی را در شهر لیما برگزار کردند. افزایش سرسام آور قیمت مایحتاج اولیه و مواد غذایی، سطح نازل دستمزد، اعمال مقررات نظامی، بازداشتنهای دستهجمعی و مکرر زحمتکشان و روشنفران مبارز از جمله مسایل مورد اعتراض معلمین اعتصابی هستند. اعتصاب کنندگان خواستار آزادی فوری بازداشت شدگان و افزایش حقوق به میزان ۱۶۰ درصد هستند. آنان در قطعنامه ان اعلام کرده اند که تا تحقق یافتن این خواستهها به کلاس درس نخواهند رفت و به مبارزه ادامه خواهند داد. □

فرستاده رژیم

با مقامات دولت فرانسه

ملاقات می کند

به دنبال کوششهایی که اخیرا از جانب رژیم ایران و دولت فرانسه برای بهبود روابط فی مابین صورت گرفته، علیرضا معیری، معاون موسوی، نخست وزیر، مذاکراتی با مقامات دولتی فرانسه در پاریس به عمل آورده است. این مزدور، "بلندپایهترین" مقام دولتی است که تا به حال از جانب رژیم برای تماس با مقامات فرانسوی به این کشور گسیل می شود. معیری در طول سفر خود ملاقاتهایی با میتران، رئیس جمهور، ژاک شیراک، نخست وزیر و شاپان دلماس رئیس پارلمان فرانسه به عمل آورد. در این دیدارها دولت فرانسه ضمن ابراز علاقه به بهبود روابط دو کشور، از رژیم درخواست کرد که جهت آزادی ۹ تن از اتباع فرانسوی که مدت ۱۵ ماه است توسط نیروهای حزب الله لبنان ربوده شده اند، اعمال نفوذ کند.

رژیم نیز اعلام داشته است که به دو شرط حاضر خواهد بود در این جهت کام بردارد. اول اینکه فرانسه نیروهای ایوزیسیون ایرانی را از این کشور اخراج کند و ثانياً به پیمانهای تسلیحاتی خود با دولت عراق و حمایتش از این کشور در جنگ علیه ایران خاتمه دهد.

طرح درخواست اخراج مخالفان رژیم از فرانسه به عنوان عمده ترین شرط بهبود روابط خود نشان دهندهی درجهی وحشت و زبونی رژیم متحجر جمهوری اسلامی از ایوزیسیون خارج از کشور است. □

اخبار ایران



رجایی خراسانی

نمایندهی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، به جرم دزدیدن يك بارانی در یکی از فروشگاههای بزرگ نیویورک دستگیر شد. خراسانی که توسط یکی از کارمندان فروشگاه در حین دزدی غافلگیر شده بود، با استفاده از حق مصونیت دیپلماتیک از مخمصه نجات پیدا کرد. طبق قوانین جمهوری اسلامی اگر او همین جرم را در تهران مرتکب شده بود، به قطع چهار انگشت دست راست محکوم می شد. □

قصاص سارقی گفت: بر اساس احکام اسلامی، کیفر سارق زندان نیست، بلکه سارق در مرحله اول چنانچه جرمش محرز شود به قطع چهار انگشت دست راست محکوم می گردد و چنانچه مجدداً مرتکب سرقت شود به قطع دست راست محکوم می گردد و چنانچه در مرحله سوم به سرقت اقدام نماید حبس ابد مجازات او خواهد بود و اگر در زندان نیز دست به دزدی بزند اینبار مجازات مرگ برای او در نظر گرفته شده است. البته مقامات جمهوری اسلامی هنگامی که خودشان جرمی مرتکب می شوند، از قوانین "امپریالیستی" استفاده می کنند تا از محکومیت نجات پیدا کنند. در طی ماه گذشته رجایی خراسانی

دانمارک

کپنهاک - امسال نیز همچون سال گذشته رفقای عوادار سازمان در کپنهاک و بعضی از شهرهای دانمارک با شرکت فعال در مراسم اول ماه مه این روز

بازدیدکنندگان را با وضعیت ایران آشنا کردند. رفقان عوادار همچنین با پخش تازیکه و برنامه عمل سازمان به زبانهای دانمارکی، نروژی و انگلیسی ضمن شناساندن عرچه بیشتر سازمان به شهروندان دانمارکی و نیروهای مترقی با نمایش عکس پرده از چهره‌ی کریه رژیم جمهوری اسلامی برداشته



فرخنده را گرامی داشتند. رفقا در مراسم اول ماه مه که عمه ساله‌ر "فالد یارک" کپنهاک با حضور نیروهای مترقی و احزاب چپ برپا می‌شود، با شرکت مستقل و پخش وسیع اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌هایی به زبانهای مختلف در رابطه با افشاکری حزب خائن توده و ضدانقلابیون اکثریتی و ماعت ارتجاعی مجامعین، با توضیحات شفاهی

و با برپایی میز کتاب و پخش اعلامیه‌هایی در رابطه با اعمال به‌غایت ارتجاعی اخیر مجامعین مینی بر علیی کردن اسامی اعضا و مشخصات فعالین سازمان دانشجویان عوادار سازمان در فرانسه ماعت رسوای این جریان را برای هموطنان مبارز سرچه بیشتر آشکار کردند. □

توضیح می‌دهد: "تا آنجا که به نحوه‌ی برخورد این جریانات با ما مربوط می‌شود لازم می‌دانیم این حقیت بدیهی را گوشزد کنیم که... ما امکانات و ابزارهای کافی به منظور تضمین حضور رزمجویانه خود را دارا هستیم، نوجه آشوب طلبان اگر به این نظر جلب نشود، زیان خواهند کرد."

در ادامه‌ی این سیاست جدید، اوباشان اکثریتی در تاریخ ۱۶ ماه مه به منزای (محل غذاخوری) دانشگاه برلن حمله کرده، دوتن از رفقای عوادار سازمان را مضروب می‌کنند. سپس در روز چهارشنبه ۲۱ مه همین سیاست در شهر دارمشتات پیاده می‌شود که با عوشاری عواداران سازمان و دیگر دانشجویان این توطئه خنثی شده و مزدوران اکثریتی به بیرون سالن یرتاب شدند. در روز ۲۳ ماه مه عواداران سازمان با علم به اینکه مزدوران اکثریتی دوباره سعی خواهند کرد در منزا حضور فعال داشته باشند، در محل حاضر می‌شوند.

رفقای عوادار سازمان به مزدوران اکثریتی اخطار کردند که به دلیل همکاری بسیار نزدیک سازمان‌شان با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در کشتار انقلابیون، آنان حق ندارند در مراکز فعالیت نیروهای سیاسی ایرانی حضور سیاسی داشته باشند. مقاومت مزدوران اکثریتی در مقابل این خواست برحق منجر به درگیری شد. در این درگیری عواداران سازمان و برخی دانشجویان انقلابی دیگر مزدوران اکثریتی را از منزا بیرون کردند. این حرکت انقلابی همچنین

آلمان غربی

برلن غربی - ممکن آگاهند که جریان ضدانقلابی نوده‌ای - اکثریتی پس از آنکه چماق خط امام بر سرشان فرود آمد، چگونه عمواره سعی داشته‌اند که در مکانهای تجمع دانشجویان انقلابی نفوذ کرده، تا از این طریق جایی برای خود باز کنند. اما طی این مدت این تلاش آنان عربار با عوشاری دانشجویان

انقلابی خنثی شده، و این جریانهای ضدانقلابی عمواره از مکانهای تجمع نیروهای سیاسی طرد و اخراج شده‌اند. امروز که این جریانها تلاشهای قبلی خود را بی‌شمر یافته‌اند، دست به شیوه‌ی جدیدی زده‌اند. این شیوه‌ی جدید را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: نشریه‌ی اکثریت این سیاست را چنین

